



ممنون که به دنیا آمدی بانو

فرستادن موشک به هواست و گاه به سختی پذیرفتن مسئولیت مادری و به دنیا آوردن چندتا بچه قدونیم قد است. گاهی هم می‌گویم بایک دست چندتا هندوانه برمی‌دارم و موشک هم می‌فرستم هواو چندتا بچه را هم راست و حسینی تربیت می‌کنم و می‌فرستم درون جامعه. تهش می‌دانم خیلی توفیری ندارد. به قول مادرم، هرکس پیشانی نوشتی دارد و آنچه مهم است، رضایت خداست. رضایت خدا را هم می‌خواهم به تقرب از روی دوستانش به دست بیاورم و چه دوستی برای من بهتر از شما، معصومه اهل بیت. ممنون که به دنیا آمدی خانم و یک دنیا تشکر که می‌توانم از روی دست زن بودن رایا بگیرم. برایم دعا کن. دمت هم گرم.

دارم، این است که من یک دختر هستم. دختر بودن فقط یک شاخص برای آدم نیست؛ نام یک جور نگاه به زندگی است، اسم یک شیوه زندگی کردن است، اسم یک شیوه درک و لذت از جهان است. حالا اگر این شیوه شیرین با قلبی مؤمن و روشن و ذهنی زیبا متحد شود، نتیجه‌اش می‌شود دخترانه‌ای مطمئن. به خودم که نگاه می‌کنم، می‌بینم در سرم کلی فکر است؛ کلی اگر و اما و شاید و باید. شاید‌ها اضطراب‌های من هستند که باید‌هایی که از دل اصول و اعتقاد اتم می‌آیند، سروسامانشان می‌دهند. برای همین به خودم و قدم‌هایم و راهی که می‌روم، مطمئن هستم. نمی‌دانم قرار است که و چه باشم. گاهی دلم می‌خواهد که یک کار بزرگ انجام بدهم، گاه این کار بزرگ قد

من یک دختر هستم. صورتی معمولی دارم. قدم هم زیاد بلند نیست. درس‌هایم را گاهی خوب می‌خوانم، گاهی هم نه. به آبا و اجدادم که نگاه می‌کنم، می‌بینم هم کمی مشهودی هستم، هم کمی اصفهانی، یک‌رگه ترک هم دارم. تازگی متوجه شده‌ام که می‌شود جنوبی هم باشم. این یعنی یک ایرانی خالص هستم، از آن استخوان دارهایش. دوستان زیادی دارم و با اینکه همیشه سعی کرده‌ام زیادی بدنباشم، چند نفری هم هستند که دوستم ندارند. گاهی کمی از ستم‌بزرگ‌تر نشان می‌دهم، وقت‌هایی هم پیش آمده که مامانم به من گفته است هنوز انگار یک دختر بچه هفت‌ساله‌ای! خلاصه اینکه حال و روزم خیلی پایین و بالا دارد، اما یک ویژگی که همیشه همراه من است و من خیلی دوستش